

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

فرمایش مرحوم محقق اصفهانی(ره) را ملاحظه کردید که خلاصه‌اش این شد که در این صورت ثبوتی که اگر مأمور به اضطراری اتیان شود که وافی به تمام غرض نیست و استیفاء بقیه غرض هم لازم باشد، از نظر عقلی می‌گوییم: در اینجا باید به دو مصلحت ملزمه مستقله متقوم باشد.

اما اگر کسی بگوید که: در اینجا مصلحت، مصلحت واقع است و مجرد آن شدت بخواهد مقتضی برای بحث دوم و تکلیف به امر اختیاری باشد، ایشان فرموده: به نظر ما معقول نیست.

این خلاصه‌ی فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) بود، آیا آقایان اشکالی راجع به این فرمایش اصفهانی(ره) به ذهنشان می‌رسد یا نه؟

در این فرض مرحوم آخوند(ره) فرموده: اگر کسی در این صورت امر اضطراری را آورد، چون فرض این است که تمام ملاک را استیفاء نکرده و استیفاء بقیه ملاک هم واجب است، لذا بعد از رفع اضطرار باید امر اختیاری را هم امتثال کند که امتثال امر اختیاری برای اداء و استیفاء کردن بقیه مراد است، نه اینکه اگر دوباره امر اختیاری امتثال شد، مجدداً همه ملاک از اول تا آخر امتثال و محقق می‌شود، بلکه مقداری از ملاک را مأمور به اضطراری ایجاد کرده و مقدار دیگری که باقی می‌ماند را این مأمور به اختیاری انجام می‌دهد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) ملاک چیزی نیست که بسیط باشد، بلکه چیزی است که قابلیت این را دارد که یک مقدارش و یا همه‌اش آورده شود، اما آیا باقیمانده ملاک دیگری است یا همان ملاک است؟ اگر ملاک دیگری باشد که ادعای ایشان هم این است که فرموده: آن باقیمانده باید ملاک دیگری داشته باشد، اما اگر ملاک دیگری نیست، پس این باقیمانده را چگونه می‌خواهید انجام دهید؟ چون مولا می‌خواهد نسبت به این عمل اختیاری بعث و تکلیف کند و تکلیف هم نیاز به ملاک دیگری دارد.

نقد و بررسی کلام محقق اصفهانی(ره)

به نظر ما به فرمایش مرحوم محقق اصفهانی(ره) اشکال قابل اعتنایی وارد است که اولاً اینکه ایشان فرموده: شدت به ما هی معقول نیست که خودش سبب برای بعث باشد، چرا معقول نیست؟ اگر فرض کردیم که این بقیه مصلحت، خودش لزوم استیفاء و تدارک دارد، پس در حدی است که مکلف را وادار می‌کند به اینکه عمل اختیاری را انجام دهد.

لذا خود شدت في حد نفسه قابليت دارد براي اينکه ملاک براي اتیان مأموربه اختياري واقع شود و اگر عبارت ایشان را ملاحظه کرده باشید، ایشان فرموده: اگر شدت بخواهد خودش ملاک براي بعث باشد لغويت لازم مي‌آید که از راه لغويت وارد شده‌اند، اما هر چه دقت مي‌کنیم لغويت در اینجا لازم نمي‌آید.

اگر در اینجا طبق فرمایش ایشان گفتیم که: این اضطراري و اختياري یک ملاک دارد، اما این ملاک در اضطراري ضعيف و در اختياري شديد است، در اینجا درست است طبيعت ملاک در ضمن عمل اضطراري واقع شده، اما این ملاک مصاديقي دارد که فرض این است که مصاديق تشکیک است.

بله درست است که ملاک در ضمن عمل اضطراري آورده شده، اما شارع مي‌فرماید: این ملاکي که در ضمن عمل اضطراري آورده شده، درجه ضعيفه‌اي از ملاک است و من همین ملاک را مي‌خواهم در ضمن عمل اختياري انجام دهید که آوردن در ضمن عمل اختياري درجه قوي از این ملاک است.

بنابراین به ایشان عرض مي‌کنیم که اولاً شدت به ما هي قابليت براي اينکه ملاک براي بعث مولا باشد را دارد و ثانياً لغويت هم لازم نمي‌آید، براي اينکه با آمدن و محقق شدن ملاک در ضمن عمل اختياري، کشف از این نمي‌کنیم که پس آن ملاک در ضمن عمل اضطراري آورده نشده است. بله اگر با آوردن عمل اختياري مي‌گفتیم که: معلوم مي‌شود که طبيعت ملاک در ضمن عمل اضطراري آورده نشده، در این صورت لغويت لازم مي‌آید، چون قبل از آوردن اختياري، فرض این است که طبيعت ملاک در ضمن اضطراري آورده شده است.

جمع‌بندي استاد محترم

نتيجه‌ي مباحث این سه جلسه این است که در این صورت که مکلف عمل اضطراري را انجام داده، اما وافي به تمام ملاک نباشد و استيفاي بقيه ملاک هم واجب باشد، نتيجه این مي‌شود که اولاً در این دو عمل اضطراري و اختياري دو ملاک نیست، خصوصاً در عمل اختياري این طور نیست که بگوییم: دو ملاک ملزمه مستقلة وجود دارد، کما اينکه مرحوم اصفهاني(ره) فرموده: این عمل اختياري که بعداً انجام مي‌دهید دو ملاک دارد، لذا این دو ملاک ندارد.

نتيجه‌ي دوم این است که آن حرفي هم که بيان کردیم که بگوییم: ملاک تقسيم مي‌شود، يعني عمل اضطراري 70 درصد ملاک را آورده و عمل اختياري 30 درصد بقيه را مي‌آورد، این هم حرف درستي نیست و تقسيم در ملاک هم این گونه معنا ندارد، بلکه ملاک به نحو ضعيف در امر اضطراري آورده شده و همان ملاک به نحو قوي در عمل اختياري هم آورده مي‌شود.

لذا تقسيم در اینجا معنا ندارد، مثل اينکه فرض کنید مولا بگوید: براي من آب بیاور و شما اول یک لیوان آب ولرم براي مولا بیاورید که این آب مقداري از ملاک که رفع عطش است را به نحو ضعيف دارد، بعد مجدداً آب خنک مي‌آورید که این آب خنک ملاک رفع العطش را به نحو قوي دارد، که در اینجا نمي‌گویند که: ملاک تقسيم شده است.

پس اولاً دو ملاک نداریم و ثانياً تقسيم در ملاک وجود ندارد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) ما مي‌گوییم: بعد از رفع اضطرار دوباره تمام ملاک به نحو قوي بیايد، عمل اضطراري در ظرف اضطرار لغو نبوده و داراي ملاک بوده، اصلاً چه بسا در اینجا که شخص عمل اضطراري را در ظرف اضطرار آورده و بعد هم مي‌گوییم که: بايد عمل اختياري را بعد از ظرف اضطرار بیاورد، بگوییم که: مولا بايد دو ثواب به او بدهد، ولو نسبت به یک واجب است و این فرض از مواردی است که یک تکلیف و یک واجب است، اما بايد دو ثواب به او داده شود؛ یک ثواب به

عنوان اینکه در فرض اضطرار به وظیفه اضطراري خودش عمل کرده است و ثواب دیگر براي اینکه در فرض اختیار، به وظیفه اختیاري خودش عمل می‌کند که اینجا باید مولا دو ثواب بدهد.

اگر گفتیم که: با آمدن اختیاري تمام ملاک می‌آید و کشف از این می‌کند که آن عمل اضطراري لغو بوده است، عمل اضطراري اگر بی‌ملاک باشد لغو می‌شود و اگر بی‌ملاک نباشد لغو نیست، لذا اگر ملاک باشد، برای آن هم باید یک ثوابی باشد و اگر ملاک نباشد، اصلاً برای او ثوابی نیست و هر چه هست برای همین عمل اختیاري است.

حال در این فرض که مکلف هم عمل اضطراري را آورده که مجزي نیست و باید عمل اختیاري را هم بیاورد؛ یا دو ثواب نسبت به او داده می‌شود و نه یک ثواب و یا اگر هم دو ثواب را ندهیم، باید یک ثواب مرکب از دو عمل؛ عمل اضطراري و عمل اختیاري را به او بدهند، برای اینکه بالأخره از نظر عقلي بین کسی که در زمان اضطرار تکلیف اضطراريش را انجام داده و بین کسی که اصلاً توجهی به وضعیت اضطراري نکرده فرق می‌گذارند و عقل می‌گوید: این عنوان ممثّل را دارد و آن ندارد و اگر عمل عنوان امتثال را پیدا کرد، در اینجا می‌گوییم که: باید یک ثواب علي حده‌ای هم به او داده شود و اگر این ثواب را هم ندهیم، باید یک ثواب مشترک و مرکب از دو عمل را می‌دادیم.

(سوال و پاسخ استاد محترم) الآن بحث ثبوتی می‌کنیم و بحث اثباتی نداریم و به مقام اثبات می‌رسیم و می‌گوییم که: در مقام اثبات شارع یک طبیعت دارد و این طبیعت را در اضطراري آورده و تکلیف ساقط می‌شود و اصلاً دیگر امر اختیاري وجود ندارد، ما فعلاً بحث ثبوتی می‌کنیم.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) عرض ما این است که در مأموریه اختیاري، همان اجزای مأمور به اختیاري را می‌آورید، آیا در این اجزایی که می‌آورید می‌توانید بگویید که: فرضاً واجب 10 جزء دارد که هر جزءش هم 10 درصد مصلحت دارد، حال در 7 جزئش شریک است و دیگر مصلحت ندارد و در 3 جزئش مصلحت دارد؛ این را نمی‌شود گفت. وقتی که این عمل اتیان می‌شود، تمام ملاک در ضمن این عمل می‌آید، منتهی بپرسید که چه فرقی با آن کرد؟ می‌گوییم: در مأموریه اضطراري تمام ملاک به نحو ضعیف می‌آید، اما در مأموریه اختیاري تمام ملاک به نحو قوی می‌آید و یک ملاک جدای از آن هم نیست و طبیعت این ملاک با طبیعت آن ملاک یکی است.

مرحوم اصفهانی(ره) فرموده: در مأموریه اختیاري باید دو مصلحت ملزمه مستقل باشد، اما می‌گوییم: لازم نیست دو مصلحت باشد، بلکه این مصلحت همان مصلحت است که آن به نحو ضعیف بوده و در این به نحو قوی است و حال این خلاصه جواب از مرحوم اصفهانی(ره) است.

در مقام ثبوت می‌گوییم: بعد از آوردن عمل اختیاري، عمل اضطراري لغو نیست و لازمه‌اش این است که به خاطر آن ملاک، ولو ضعیف هم باشد که در ضمن عمل اضطراري انجام شده، شارع یک ثوابی را بر آن مترتب می‌کند، منتهی یا دو ثواب می‌دهد و یا به قول صاحب فصول(ره) که در بعضی از موارد قائل به تعدد شده و فرموده: حال که تعدد نیست، این دو ثواب تداخل می‌کنند.

بحث در مقام اثبات

توضیح کلام آخوند(ره) در کفایه

در مقام اثبات ابتدا فرمایش مرحوم آخوند(ره) در کفایه را عرض کنیم که فرموده‌اند: اصالت الإطلاق در مأموریه اضطراري

نتیجه‌اش اجزاء است، یعنی وقتی اصالت الإطلاق را جاری کردید، می‌گویید: در فرض اضطرار نماز با تیمم بخوانید مطلقاً، اعم از اینکه بعد از رفع اضطرار آب پیدا کنید یا نه و وظیفه‌ی فعلی شما همین مأموریه اضطراری است مطلقاً، اعم از اینکه اضطرار بعداً رفع شود یا نشود.

بعد مرحوم آخوند(ره) فرموده: نتیجه این حرف این است که وقتی مأموریه اضطراری را آوردید، این دیگر مجزی از مأموریه اختیاری است، لذا مقام اثبات با سه صورت از آن صور اربعه در مقام ثبوت سازگاری دارد و اصالت الإطلاق صورتی را که نتیجه‌اش عدم اجزاء بود که مفصل هم بحث کردیم برطرف می‌کند.

حال در توضیح فرمایش مرحوم آخوند(ره) - این توضیح در کلام ایشان نیامده است - می‌گوییم که: اگر بر مکلفی که مأموریه اضطراری را آورده لازم باشد که بعد از اضطرار مأموریه اختیاری را هم بیاورد، در این صورت اگر از اول لازم باشد که اختیاری را بیاورد، از قبیل عطف با «او» عاطفه است، یعنی می‌گوییم: «صل مع التیمم او صل مع الوضوء» لذا از نظر واقع برای آوردن اختیاری یا باید مثال عطف با «او» باشد و یا عطف با «واو» که اصالت الإطلاق هر دوی اینها را کنار می‌زند و هم عطف با «واو» را که جمع بین اضطراری و اختیاری است نفی می‌کند و هم عطف با «او» را نفی می‌کند.

در نتیجه اصالت الإطلاق می‌گوید: اگر مأموریه اضطراری را آوردید، این کفایت می‌کند و مجزی است.

بعد مرحوم آخوند(ره) فرموده: اگر دست ما از اصول لفظیه کوتاه شد و کسی به اصالت الإطلاق اشکال کرد، که اشکالاتش را بعداً عرض می‌کنیم، سراغ اصول عملیه می‌رویم که بعد از آوردن اضطراری شک می‌کنیم که آیا در داخل وقت آوردن اختیاری به نحو اعاده واجب است یا نه؟ اصالت البرائه را جاری می‌کنیم و نسبت به قضاء هم ان شاء الله می‌رسیم.

این خلاصه‌ی فرمایش آخوند(ره) در مقام اثبات است که بر این اصالت الإطلاقی که بیان کرده‌اند چند اشکال وارد شده است، که اشکالاتش را ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم.

و صلَّى الله علی محمد و آله الطاهرين